



انجمن علمی جامعه‌شناسی

سوشال هرمزگان

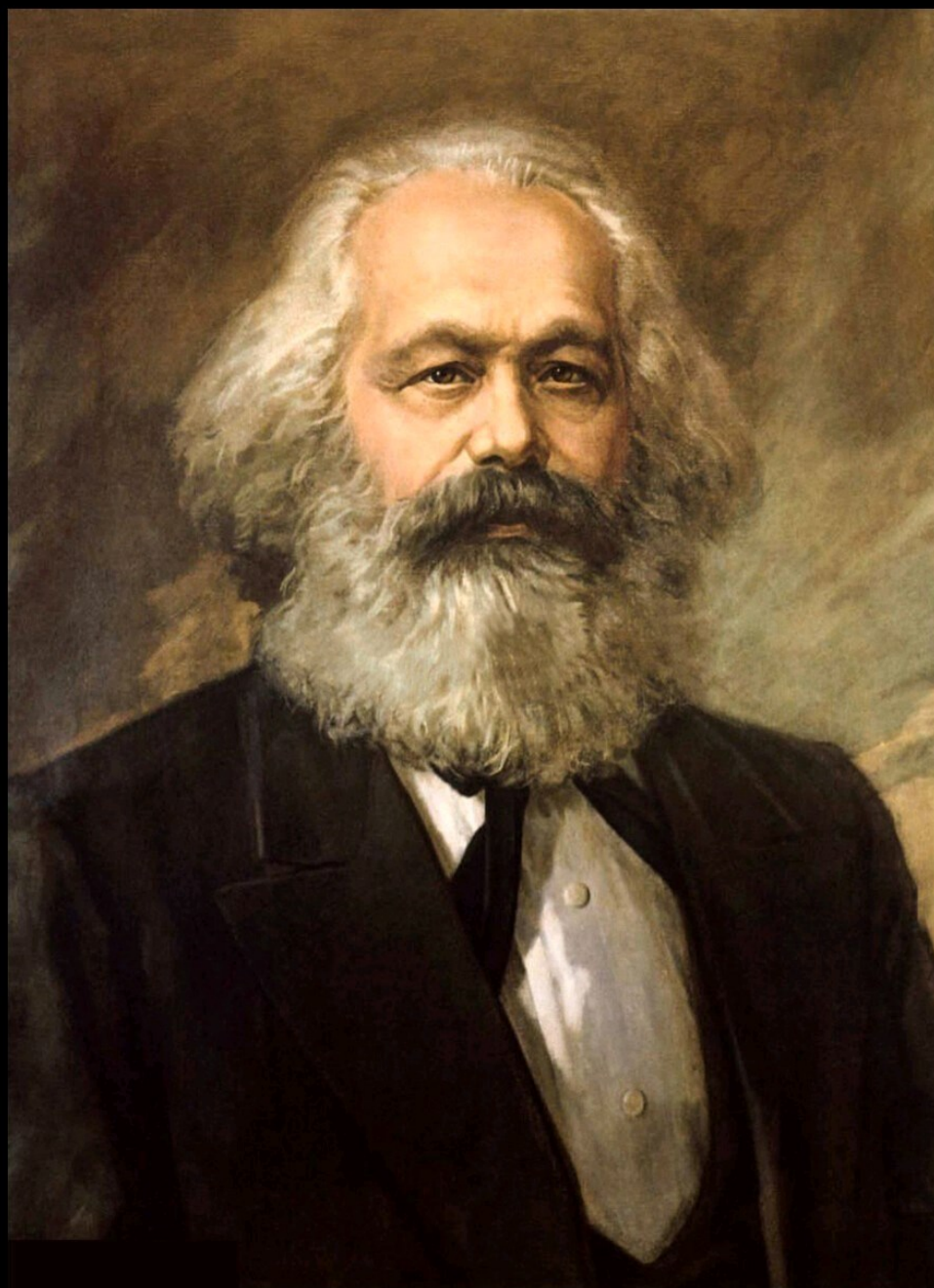
اولین شماره از نشریه انجمن جامعه‌شناسی دانشگاه هرمزگان، آبان ماه ۱۴۰۳

■ تاخر فرهنگی ■ دانشگاه و فرهنگ ■ ایران عزیز ما

■ آخرین سنگر دولت ■ فرشته های زمینی ■ در اینستاگرام چه می گذرد!

■ مصاحبه با دانشجوی فعال دانشگاه ■ اکران فیلم ■ سمینار جمعیت پذیری در سواحل مکران





تاریخ انسان را می سازد

اما انسان همی که تاریخ را می سازد انگشت شمارند

کارل مارکس ، جامعه شناس و اقتصاددان آلمانی

اطلاعات نشریه

نشریه سوشال هرمزگان از ۵ بخش اصلی تشکیل شده که به شرح ذیل است:

بخش اول: تحلیل و سخن جامعه‌شناسان مطرح شناخته شده ایران در باب موضوعات مختلف

بخش دوم: تحلیل و سخن اساتید هیئت علمی رشته جامعه‌شناسی دانشگاه هرمزگان در باب موضوعات مختلف.

بخش سوم: تحلیل و نوشته های دانشجویان رشته جامعه‌شناسی دانشگاه هرمزگان در باب موضوعات مختلف

بخش چهارم: مصاحبه با دانشجویان فعال و اساتید شناخته شده و دارای مقام کشوری دانشگاه هرمزگان

بخش پنجم: مربوط به فعالیت های انجمن در ماه گذشته است که در صورت عدم فعالیت در ماه گذشته به موضوعات آماری می‌پردازد.

صفحات مجازی انجمن علمی جامعه شناسی دانشگاه هرمزگان در بستر تلگرام

و اینستاگرام



@Hu_sociologi

فهرست

سخن سردبیر



تغییر و تکان فرهنگی



دانشگاه و فرهنگ



فهرست

ایران عزیز ما



تنها سنگر دولت

فرشته‌های زمینی



فهرست

در اینستاگرام چه می گذرد!



مصاحبه با دانشجوی فعال

سمینار و اکران فیلم



سخن سردیر



به قول حسین حائریان : هر چیزی را که برای اولین بار در زندگی تجربه می‌کنیم، در ذهنمان تبدیل به یک حفره عمیق می‌شود، حفره ای که هرگز جایش با هیچ خاطره دیگری پر نخواهد شد. اولین‌ها هر چقدر هم کهنه و قدیمی باشند در ذهنمان حک شده‌اند. آنقدر پررنگ هستند که تمام تکرارهای بعد از آن هم نمی‌توانند خاطراتش را کمرنگ کنند.

به سخن آقای حائریان اشاره کردم که بگویم اولین شماره از نشریه سوشال هرمزگان و تلاش برای منتشر شدن آن نیز در ذهن من نیز نقش بست.

اولین شماره از نشریه سوشال هرمزگان را بخوانید ، نقد کنید ، پیشنهاد کنید ، از همه‌ی آن‌ها با آغوشی باز استقبال می‌کنیم.

پس شروع میکنیم با نام و یاد خدا

برای ارتباط گرفتن با سردبیر نشریه می‌توانید در تلگرام به آیدی زیر پیغام دهید.



@iammostafa





نویسنده : فردین علیخواه

عضو هیئت علمی جامعه شناسی دانشگاه گیلان



فرهنگ عرصه آرام پزی است (تغییر و تکان فرهنگی)

در مقابل، تکان فرهنگی همراه با شتاب و سرعت است؛ همانند سیل که حاصل طوفانی سهمگین است. سرازیر می‌شود ولی نمی‌ماند. تکان فرهنگی؛ رفتن به سوی مقصد با شتاب است. تفاوت در اینجا بین شتافتن و رفتن است. گذاشتن همان خورش ایرانی در ماکروویو است که قرار است سریع آماده شود و ما را سیر کند. در اینجا دیگر کیفیت برایمان اهمیت ندارد و ما فقط می‌خواهیم از شر گرسنگی خلاص شویم. تکان فرهنگی، پرجوش و خروش است. تحقق یافتن فراگیرترین رؤیایها در فشرده‌ترین زمان ممکن است. در تکان فرهنگی، بی‌طاقتی برای رسیدن به مقصد وجود دارد و مسیر؛ بی‌اهمیت و بی‌جلوه می‌شود. نسکافه فوری و فوتی در مقابل قهوه جافتاده است. جامعه‌شناسان معتقدند که فرهنگ ثابت ولی متغیر است. به این معنا که فرهنگ تغییر می‌کند ولی چون تغییر در فرهنگ بسیار آرام است گویی که ثابت به نظر می‌رسد، همانند ماه که از دور ثابت است ولی به دور خود می‌چرخد. بر خلاف تغییر فرهنگی که حاصل نوآوری‌های فن‌آوری، گسترش رسانه‌ها، گسترش حیات شهری، و گسترش ارتباطات بین جوامع است، تکان فرهنگی غالباً دستاورد و مقصود برخی حاکمیت‌هاست. منظور آنکه حاکمیت‌ها؛ به‌ویژه آن دست از حاکمیت‌ها که نسبت به تجربه تاریخی جوامع و ماهیت فرهنگ بی‌توجه‌اند معمولاً در پی (تکان فرهنگی اند). بحث را کمی ملموس‌تر کنیم. وقتی گیرنده‌های ماهواره‌ای به‌عنوان یک فن‌آوری جدید وارد ایران شد جامعه ایرانی به تدریج داشت با آزمایش و خطا شیوه استفاده از آن را ممارست می‌کرد و می‌آموخت. کارشناسان و نخبگان عرصه فرهنگ و رسانه داشتند نحوه استفاده از آن را برای خانواده‌ها توضیح می‌دادند و تشریح می‌کردند. سیاست رسمی به نگاه مداخله نمود و این فن‌آوری را از مسیر طبیعی خود (تغییر فرهنگی) خارج کرد. در نتیجه ماهواره به عرصه‌ای پنهان و رؤیت‌ناپذیر انتقال یافت و با توجه به ممنوعیت، کارشناسان هم ترجیح دادند تا دیگر درباره آن نیز گفتگو و بحث نکنند.

بین ((تغییر)) و ((تکان)) فرهنگی تفاوت وجود دارد. تغییر فرهنگی، مسیری تدریجی است. مسافری است که با طمأنینه به سوی مقصد نمی‌شتابد بلکه طی طریق می‌کند. تغییر فرهنگی آرام آرام اتفاق می‌افتد. لاک‌پشت است در مقابل خرگوش چموش! تغییر فرهنگی مانند برخی خورش‌های ایرانی است که باید روی شعله‌ای ملایم و نه سرکش؛ آرام‌پز شوند. سرعت تغییر فرهنگی آن قدر آرام است که حتی ممکن است کسی متوجه آن نشود. مثلاً خانواده هسته‌ای در مقابل خانواده گسترده را در نظر بگیرید. آیا کسی می‌تواند با اطمینان بگوید که برای مثال تغییر از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای در سال ۱۳۲۵ یا پیش از آن در سال ۱۲۹۵ اتفاق افتاد؟ اساساً آیا می‌توان به سال مشخصی اشاره کرد؟ نمی‌توان، چون این تغییر آرام آرام اتفاق افتاد و به همین دلیل کسی متوجه آن نشد. شاید گاهی آدم‌ها در دوره‌های ایشان درباره خانواده در قدیم حرف بزنند ولی تنها پژوهشگران اجتماعی و جامعه‌شناسان به چنین تغییری توجه خاص نشان دادند و علل مختلف آن را در مطالعات و پژوهش‌های خود بررسی کردند. اهمیت یافتن کودک و دوران کودکی در خانواده ایرانی، و یا تفکیک اتاق والدین از سایر اعضای خانواده را در نظر بگیرید. آیا می‌توان گفت که برجسته‌شدن کودک و کودکی در پاییز ۱۳۶۵ و یا در مرداد سال ۱۳۵۴ اتفاق افتاد؟ نمی‌توان گفت. چون تغییرات اجتماعی و فرهنگی یک‌شبه رخ نمی‌دهند. آهسته‌آهسته زمینه‌های چنین تغییری فراهم می‌شود و آرام آرام رخ می‌دهند. به همین دلیل ما وقتی به گذشته نگاه می‌کنیم، و وقتی زندگی خودمان را با کودکانمان مقایسه می‌کنیم می‌دانیم و می‌بینیم که کودکان امروز در مقایسه با نسل‌های پیشین، قدر و منزلت بهتر و بالاتری دارند ولی حتی جامعه‌شناسان هم نمی‌توانند به‌یقین بگویند که اهمیت یافتن کودکی، برای مثال، در نیمه دوم سال ۱۲۷۰ یا در شهریور ۱۳۸۰ رخ داد. این نوع تغییرات نرم‌نرمک رخ داده‌اند بدون آنکه توجه سریع و فوری افراد جامعه را جلب کنند.

جهانی این ادعا را تأیید می‌کند. نتیجه‌گیری از تغییر و تکان فرهنگی: فرهنگ عرصه آرام‌پزی است. فرهنگ عرصه گفتگو، استدلال و افناع است. تکان فرهنگی مانند سیلی است که به ناگاه همه توجهات را به خود جلب می‌کند ولی ویران می‌کند و می‌رود. تکان فرهنگی مانند تصادفی در جاده است که فقط دقایقی سرعت رانندگان را می‌کاهد. اصل؛ تغییر فرهنگی است و کسانی که شایسته آن‌اند تا در این عرصه با جامعه گفتگو کنند نه قرارگاه‌ها یا سیاست‌مداران، که اصحاب فرهنگ‌اند..

همچنین از طریق این نشریه، از همکاری متواضعانه دکتر علیخواه قدردانی می‌کنم و از خداوند منان خواستار بهترین‌ها در مسیر علمی‌شان هستم (سردبیر نشریه)

ویژگی سیاست رسمی در ایران آن است که هم خودش به دنبال تکان فرهنگی است و هم باعث‌وبانی تکان فرهنگی از سوی جامعه می‌شود ولی این دو شکل از تکان فرهنگی با هم تفاوت بسیاری دارند. برای مثال سبک زندگی، زادوولد، جشن، لباس، موسیقی، اعتقاد یا بی‌اعتقادی و پدیده جوانی را در نظر بگیرید. در دهه‌های گذشته در همه این امور ما شاهد تغییر فرهنگی بودیم که ویژگی آن تدریجی بودن است، ولی سیاست رسمی به ناگاه و در برهه‌های زمانی مختلف به این امور حساسیت نشان می‌داد و با تعریف «قرارگاه‌های مختلف در عرصه امور فرهنگی، در پی ایجاد تکان فرهنگی برمی‌آمد. اغلب نقشه‌های راه فرهنگی که نهادهای رسمی تعریف کردند و تعریف می‌کنند در واقع بازتابی از تکان فرهنگی است یعنی تحقق فراگیرترین رؤیایها در فشرده‌ترین زمان ممکن. حاصل این تکان‌های فرهنگی، خارج کردن جامعه از مسیر تغییر فرهنگی، و قراردادن آن در وضعیت لجبازی و مقاومت بوده است. به عبارت دیگر، جامعه از مسیر طبیعی (تغییر فرهنگی) خارج گشته و با لجبازی و مقاومت، از خود (تکان فرهنگی) نشان داده است. به همین دلیل در سطرهای قبل بیان شد که اشتیاق سیاست رسمی به تکان فرهنگی، همواره باعث شکل‌گیری نوعی دیگر از تکان فرهنگی از طرف جامعه شده است.

لایحه حجاب و عفاف و ده‌ها لایحه دیگر را هم از همین منظر می‌توان تحلیل کرد. جامعه ایرانی در قالب تغییر فرهنگی در حال پیمودن مسیری تدریجی بود. افراد جامعه نیز توجه چندانی به این مسیر یا به این تغییر نداشتند همان‌طور که به تغییر خانواده گسترده به هسته‌ای یا اهمیت یافتن کودک و کودکی نیز توجه خاص و ویژه نداشتند. اکنون اما سیاست رسمی به دنبال تکان فرهنگی در این عرصه است. نتیجه آنکه شاهد تکان فرهنگی از طرف جامعه هستیم و خواهیم بود.

استدلال جامعه‌شناسان را جدی بگیرید. فرهنگ ثابت، ولی متغیر است. عرصه فرهنگ عرصه تکان فرهنگی نیست. اساسا انقلاب فرهنگی از منظر جامعه‌شناختی غیرممکن است. تکان فرهنگی می‌آید و می‌رود و فاقد کوچک‌ترین دستاورد ماندگار است. تجربه







نویسنده : بهروز بهروزیان

عضو هیئت علمی جامعه شناسی دانشگاه هرمزگان



دانشگاه و فرهنگ

دانشجویان، به عنوان نیروهای پُرانرژی، خوش فکر، صاحب ابتکار و خلاقیت در کالبد برنامه‌های فرهنگی دانشگاه است. قطعاً محصول این حضور، ایجاد، حفظ پویایی و سرزندگی در این نهاد پیشرو است. دانشجویان به عنوان اعضای جوان و پویای جامعه دانشگاهی، به عنوان واسطه‌ای میان دانشگاه و جامعه عمل می‌کنند. آن‌ها با به‌کارگیری آموخته‌های خود در فعالیت‌های حرفه‌ای و اجتماعی، به ترویج علم در جامعه کمک می‌کنند. انتقال دانش نه تنها در قالب شغل‌ها و حرفه‌های مرتبط با تحصیل، بلکه از طریق تعاملات اجتماعی و فرهنگی گسترده‌تر رخ می‌دهد. دانشجویان می‌توانند با به‌کارگیری دانش علمی در مسائل روزمره و ارتباط با گروه‌های مختلف اجتماعی، به ارتقای سطح علمی و فرهنگی جامعه یاری رسانند. دانشجویان نه تنها نمایندگان فرهنگ و علم در حال حاضر هستند، بلکه آینده‌سازان جامعه نیز محسوب می‌شوند. آن‌ها با کسب دانش علمی و تقویت ارزش‌های فرهنگی می‌توانند تأثیرات عمیقی بر آینده علمی و فرهنگی جامعه داشته باشند. تربیت نسل‌های جدید دانشجویان و ورود آنها به عرصه‌های علمی و فرهنگی جامعه به معنای پایداری و گسترش علم و فرهنگ است. به‌طور کلی، دانشجویان با آگاهی و عمل خود می‌توانند به ارتقای هر دو حوزه علمی و فرهنگی جامعه کمک کرده و به شکوفایی جامعه در هر دو زمینه علم و ارزش‌های فرهنگی یاری رسانند.

فرهنگ عامل پیوند انسان و جامعه است به بیانی، فرهنگ راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسانی است. در اهمیت و جایگاه فرهنگ همین بس که موجب اعطای هویت و شخصیت گردیده و به رفتار خاص و عام انسان شکل می‌دهد و با در برگیری همه سرمایه‌های معنوی و هنری، فکری جامعه، تقویت‌کننده روابط میان افراد و محوری اساسی برای پیوند میان اعضای جامعه است. لکن از آنجا که حرکت فرهنگ همواره آهسته و تدریجی است مستلزم صبوری و حوصله است و بی‌شک عرصه علم و فناوری به عنوان یکی از برجسته‌ترین تجلی عقل و خرد انسانی، نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری و پویایی آن دارد.

دانشگاه به عنوان یک نهاد علمی مرکز پردازش و انتقال زمینه‌های مختلف علمی از نسلی به نسل دیگر است. اگر دانشگاه را معادل لغت یونیورسیتیه (جهان یا سپهر عالم) در نظر بگیریم، یعنی یک فضای ارتباطی وسیع و غنی که مرکزی برای زندگی علمی در فضایی سرشار از هنجار و عادت و رسوم و... متناسب با یک اجتماع فرهیختگی است؛ می‌توان اذعان نمود که محیط دانشگاه و اجتماعات علمی همانند نهادی اجتماعی و عامل اجتماعی‌کننده و تمدن‌ساز عمل می‌کند؛ یعنی فرهنگ‌سازی علمی، اجتماعی، تربیتی، آموزشی و از این نهاد نشأت می‌گیرد، بنابراین هرگونه اقدام فرهنگی باید متأثر از نگاه علمی باشد و نگاه علمی در حوزه فرهنگی مستلزم برخورداری از اندیشه لازم در این موضع است، اینجاست که نقش تفکر هدفمند، سازمان‌یافته، منسجم و رو به جلو نمایان می‌گردد. بدون شک یکی از خصلت‌های بنیادین محیط دانشگاهی، تعامل میان فرهنگ و علم است که زمینه شکوفایی، خلاقیت و نوآوری در حیطه‌های مختلف را به ارمغان می‌آورد. به عبارتی فهم دانشگاه بدون تعامل دو عنصر علم و فرهنگ امکان‌پذیر نیست و شرط تحقق آن نیز حضور هدفمند و برنامه‌ریزی شده صاحبان اصلی دانشگاه یعنی







ایران عزیز ما (نوشته‌ای در مورد جزایر سه گانه ایران)

که در جهان است همین است که جزایر سه‌گانه بی‌شکو و تردید از آن ماست و این دفاع نیست بلکه تکرار سخنی‌ست که بدیهی‌ترین است و جاهلان از فهم ابتدایی‌ترین حقیقت‌ها عاجزند انگار ، أفلا تعقلون!!



به نام خدای بخشایشگر و مهربان؛ اکنون می‌نویسیم برای تکرار مکررات، برای تداعی واقعیت‌هایی که چون روز روشن است و قابل انکار نیست، برای یادآوری به تمامی رسانه‌ها و اشخاص معاندی که گمان می‌کنند با تیترهای خبری هدف‌دار و تایید کذب‌های محض می‌توانند حقانیت مرز ایران عزیزمان را زیر سوال ببرند! ، پس هم‌چون حلقه‌های آهنین سنگین وزن به گوش‌های خود آویزان کنید که جزایر سه‌گانه به اذن خدای یگانه همیشه جگرگوشه‌ی سرزمین مادری ما، ایران عزیزمان بوده است و تا زمانی که خون در رگ‌های فرزندان این خاک و بوم می‌جوشد و تا زمانی که عشق این میهن را نفس می‌کشیم ایران عزیزمان ذره‌ای از خاکش را از دست نخواهد داد ، هرکس که این بدیهیات را انکار کند، هرکس که لفاظی آمدن بیگانگان برای خاک‌مان را حتی به اشاره‌ی سر تایید کند ولو شکی در گوشه‌ی ذهنش راه یابد ، راه خود را برگیرد و تاریخ را از هر کتاب و زاویه‌ای که می‌خواهد بخواند و بداند و آگاه باشد که ما فرزندان و هم‌خون آن ۱۹۷ هزار شهیدی هستیم که جان به کف در مقابل تمامی ابزارهای جنگی و سرزمین‌های بیگانه ایستادند تا مبادا، مبادا و مبادا یک وجب از خاک ایران عزیزمان تقدیم به دشمن شود ، خدایی که وطن را آفرید ما را از خاک وطن آفرید و ما تا همیشه‌ای که پایان ندارد مدافع این مرز و بوم و وطن و سرزمین مادری‌مان باقی خواهیم ماند ، و یگانه حقانیتی



نویسنده: مصطفی ملائی

دانشجوی کارشناسی جامعه شناسی دانشگاه هرمزگان

تنها سنگر دولت (نوشته ای در مورد خانواده)



را دوست با احترام می گذارم ، که یک طرف آن مبانی اسلامی و یا احترام قرار دارد و در طرف دیگر مدرنیته و یا دوست .

دوست با احترام زمانی محقق می شود که اعمال و رفتار والدین در وسط پیوستار قرار بگیرد یعنی متولی این امر والدین هستند. در مبانی اسلامی خانواده از جایگاه بالایی برخوردار است به طوری که در آیات متعددی از قرآن کریم، پس از ، امر به توحید که اصل و اساس دعوت همه انبیاء الهی است، احسان به والدین سفارش شده است ، شاید این گونه برداشت یک تصویر دوگانه از والدین و فرزندان به دست دهد ، در حالی که در جامعه امروزی والدین سعی می کنند فاصله بین خود و فرزندان را کم کنند ، مرهم شان باشند ، رفیق شان باشند، تأمین کننده نیاز های شان باشند و..... که این نزدیکی می تواند آن احترام را کمرنگ کند. دوست با احترام : قطعاً تمامی ما دوستانی داریم که آنان را محترم می شماریم و دوستی ما یک حد و مرزی دارد که از آن فراتر نمی رود و از طرف دیگر دوست داریم رابطه مان را با او خیلی نزدیک تر کنیم تا ارتباطمان شکل نزدیک تری بگیرد ، زمانی که این ارتباط به سمت دوستی می رود ، از احترام فاصله می گیرد ، و یا از احترام اولیه کاسته می شود ، من معتقدم که ارتباط میان والدین و فرزندان باید به گونه دوست با احترام باشد یعنی رفتار و اعمال والدین در وسط پیوستار قرار بگیرد. این ارتباط باید بسته سن ، زمان و مکان ، متغیر و انعطاف پذیر باشد. زیرا زمانی که احترام بین والدین و فرزندان از میزان بالایی برخوردار باشد ، فرزندان خود را نسبت به والدین بیگانه تر می بینند و سعی می کنند دوستانی خارج از درون خانواده پیدا کنند ، و اما برعکس زمانی که دوستی بین والدین و فرزندان از میزان بالایی برخوردار باشد از میزان احترام و اطاعت پذیری آن کاسته می شود. در سری های بعدی نشریه سوشال هرمزگان سعی میکنم راه های تحقق دوست با احترام را ذکر کنم.

یکی از درس هایی که این ترم دارم ، جامعه شناسی خانواده است ، که استاد نیکخواه تدریس می کند. استاد در دو جلسه نقطه نظراتی در مورد خانواده را مطرح کردند. استاد نیکخواه نظریه همگرایی ویلیام گود را که معتقد بود ، دگرگونی نهاد خانواده نتیجه دگرگونی های ساختاری جامعه است و نهاد خانواده به صورت اجتناب ناپذیری تغییر خواهد کرد ، ویلیام گود ، این دگرگونی را نتیجه خوبی می دانست (مثل تغییر از خانواده گسترده به هسته ای و یا حتی تغییر در کارکرد ها و رفتار ها) و نظریه هلمون شلسکی که معتقد است تغییر نهاد خانواده در هر زمینه ای نتیجه اش فروپاشی این نهاد است . استاد این دو نظریه را در مقابل هم قرار دادند و نظر ما دانشجویان را خواستند ، من نظری را مطرح کردم که می توان آن را رویکرد اعتدالی نامید. در ادامه آن را شرح می دهم که می توان این رویکرد را برآمده از این دو نظریه ویلیام گود و هلمون شلسکی نامید. سر تیترا این فصل تنها سنگر دولت است ، همانطور که می دانید در تمامی جوامع ۵ نهاد خانواده اقتصاد آموزش دین و دولت وجود دارد که هر کدام بر یکدیگر تاثیر می گذارند ، به گفته پارسونز : اولین نهادی که کودکان با کارگزاران اجتماعی شدن رو به رو می شوند و اجتماعی می شوند ، خانواده است ، و خانواده جز تنها نهادهایی است که هم کارکرد آموزشی اقتصادی و دینی را در خود جای می دهد ، و علاوه بر این که نهاد های دیگر کارکرد خود را از دست می دهند و نمی توانند آن تاثیر گذاری مطلوب را داشته باشند اما خانواده وظایف دیگر نهاد ها را به دوش می کشد و از این منظر می توان آن را تنها سنگر دولت در برابر آسیب های اجتماعی و دیگر آسیب های زندگی انسان نامید. ویکرد موردنظر من در جهت تقویت این سنگر است زیرا تغییرات این نهاد را نه خوب و نه بد می دانم و سعی کردم این رویکرد را در غالب خانواده ایرانی شرح دهم ، رویکرد من مانند یک پیوستار است که نام این پیوستار





فرشته‌های زمینی (روز پرستار)

و تمامی واژه‌های مقدسی هستند که حضرت زینب سلام‌الله علیها با رشادت‌هایش آن‌ها را به ما آموخت. سالروز ولادت حضرت زینب و روز پرستار رو به تمامی فرشته‌هایی که عظمت نام پرستار را پذیرفته‌اند و با حضورشان و نقش کلیدی‌شان ثابت کرده‌اند فرشته‌ها بال ندارند را تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.



“بسم الله الرحمن الذي اسمه دواء و ذكره شفاء”
ما همواره با یاد خدایی آغاز می‌کنیم که نامش دواست و ذکرش شفاست و اکنون اشخاصی در این جهان و در میان این جامعه‌ای که سلامت برایش سخن اول را می‌گوید پا به میدان گذاشته‌اند که نقش‌اعلای پرستاری را با علم به تمامی زوایای آشکار و پنهانش پذیرفته‌اند و پا به پای فرشتگان در رکاب یکدیگر برای درمان قدم بر می‌دارند و از جان خود مایه می‌گذارند. می‌توان واژه‌ها را کنار یکدیگر قرار داد و سراسر از احساس و محبت نوشت اما کدامین واژه می‌تواند بار مشقت و صبر و شکیبایی و مهارت این قشر دلسوز را متقبل و عهده‌دار شود؟ کدامین واژه می‌تواند نماینده‌ی شب‌بیداری‌های آنها با وجدانی بیدار و مسئولیت‌های سنگین آنان در قبال جان شیرین یک انسان را پذیرا شود؟ کدامین واژه می‌تواند یاد اشخاص عزیز که در بازه‌ی اوج کرونا این راه را پیمودند و در طی مسیر شفابخشی‌شان جان به جان آفرین تسلیم کردند؟ در روزهایی که طلوع خورشید برای ما در آسمان است و سرخی غروب آفتاب ما را به وجد می‌آورد طلوع آنان بازگشت یک انسان به زندگی و غروب‌شان روزی‌ست که پلک‌های یک انسان بسته می‌شوند و نگاه‌شان دیگر هیچ غروبی را نمی‌بیند. ما همواره مدیون این اشخاص ذی‌مقام ارجمند و شامخ هستیم که تمامی رنج‌ها را به جان خریدند تا مبادا رنج‌های ما فزون گردد. آنان نماد شجاعت، حقانیت، محبت، شکیبایی، فداکاری



در اینستاگرام چه می گذرد!

نتیجه گیری و تحلیل داده ها نزدیک به ۲۴۶ مورد داستان را من بررسی کردم که بیشترین محتوا به فعالیت های انجمن ها و کسب و کار دانشجویان اختصاص یافته است، نمی توان دلیل ایجاد این صفحات را مشخص کرد اما دارای کارکرد اقتصادی و کارکرد مجرای ارتباطی هستند و معمولاً با این کارکرد ها شناخته می شوند. محور کتاب و جزوه ها در جایگاه دوم است می توان یکی از دلیل های بالا بودن این محور را مصادف بودن شروع بررسی های من با حضور دانشجویان ورودی جدید دانست یکی از نکات قابل توجه قرار گرفتن دو محور انتقاد نسبت به عملکرد اتوبوس و غذا در دو جایگاه هفتم و دهم بود که از مشکلاتی است که هر دانشجویی می تواند آن را از نزدیک با گوشت و پوست و استخوان لمس کند. در اوایل جمع آوری داده ها به یاد دارم این دو موضوع بسیار فراگیر بود و فکر می کردم جایگاه های بالاتری را کسب کنند اما خوشبختانه تا حد زیادی این مشکلات برطرف شده و کمتر داستان هایی با این دو موضوع شاهد هستیم، طبیعتاً دانشجویان این صفحات را مجرا و وسیله ای برای رفع نیاز های خود می دانند، مانند اشیا گمشده و پیدا شده و کتاب، این صفحات می تواند وسیله ای برای ارتباط گرفتن با سایر دانشجویان نیز قلمداد شود که تنها با نام بردن (Tag) از نام صفحات می توانند صدای خود را به گوش هم قطاران خود برسانند.

من از تاریخ ۲۲ مهر ماه تا ۱۹ آبان ماه (۲۸ روز) داستان های (استوری ها) صفحات اینستاگرامی دانشجویی دانشگاه هرمزگان مانند (secret_uni_hormozgan) و (durehami_uni_hu) و (hu.students.voice) (راهنمای دانشجو دانشگاه هرمزگان) و دیگر صفحات را مورد بررسی قرار دادم که مجموع ۲۴۶ داستان با موضوع های مختلف نسب به سایر داستان ها به اشتراک گذاشته شده بود. بیشتر این داستان ها باز پخش (replay) شده هستند، تعداد داستان های غیر باز پخش شده ۴۲ مورد بود. یکی از نکات قابل ذکر ایجاد صفحات دانشجویی از جمله (gomshode_uni_hormozgan) و (ka_hu_gallery) در این بازه یعنی بین این ۲۸ روز است.

نکته داستان هایی که حاوی باکس سوال (question box) مورد شمارش و بررسی قرار نگرفته.

تحلیل این داستان ها به شرح ذیل است.

- ۱- فعالیت های انجمن ها، کانون ها، کسب و کار ۶۲ مورد
- ۲- کتاب و جزوه ها ۳۷ مورد
- ۳- اشیا و وسایل گمشده و پیدا شده ۳۳ مورد
- ۴- محتوای طنز ۲۹ مورد
- ۵- پرسش ها ۲۹ مورد (مثل شماره استاد --- رو کسی داره)
- ۶- اعلان عمومی و پاسخ نسبت به بعضی شبهات، دانستی ۲۵ مورد (مثل برای تهیه بلیط به کانکس در ایستگاه اتوبوس مراجعه کنند)
- ۷- نقد به عملکرد اتوبوس دانشگاه ۸ مورد
- ۸- ثبت نام ورودی های جدید ۸ مورد
- ۹- غیره ۸ مورد
- ۱۰- غذا ۷ مورد







مصاحبه کننده: مصطفی ملائی

دانشجوی کارشناسی جامعه شناسی دانشگاه هرمزگان



من یگانه دشمن خویشتنم مصاحبه با دانشجوی فعال دانشگاه

- + لطفاً خودتان را معرفی کنید و بگید از چه سالی وارد دانشگاه هرمزگان شدید؟
- امیرحسین اکبری هستم دانشجوی رشته مهندسی برق گرایش قدرت ورودی ۱۴۰۰
- + خوابگاهی هستین درسته؟
- بله خوابگاهی هستم
- + از کجا میانین؟
- از استان فارس
- + دوری از خانواده براتون سخت نیست؟
- بلاخره برای هر موفقیتی باید یک سختی هم براش تحمل کنی
- + گفتید که رشته برق می خونید به اون علاقه دارید و اون رو چه جوری توصیف می کنید؟
- شما اگر به دنیا نگاه کنید ، فقط فکر کنید به مدت ۵ دقیقه ، برق کل دنیا قطع بشه ، همه چیز از کار میفته ، به نظرم یکی از مهم ترین چیزهایی که تو دنیا هست برقه چون همه چیز وابسته شده به برق
- + خب به یکی از سوالات جواب ندادید به رشته برق علاقه دارید؟
- بله علاقه دارم
- + موقع انتخاب رشته فکر می کردید که به دانشگاه هرمزگان بیاید؟
- بله احتمال میدادم
- + تصورتان از دانشگاه هرمزگان چه جوری بود؟
- خب واقعیتش من وقتی که در پایه نهم بودم ، یک اردو اومدیم به بندرعباس و جزایر اطراف رو گشتیم یک تصویر جذاب و قشنگ برام از بندرعباس ساخته شده بود و حتی زمانی که
- + چند تعداد مهارت آموز داشته اید و از اولین روز های دوره ها بگید؟
- اولین دوره رو در آبان ۱۴۰۱ با عنوان دوره مهارت های هفتگانه آغاز کردیم و واقعاً هم استقبال خوبی شد که مجبور شدیم مهارت آموزان رو به دو گروه ۴۰ نفره تقسیم کنیم از اولین دوره تا آخرین دوره که پنجمین دوره میشه نزدیک به ۲۰۰ مهارت آموز در دوره مهارت های هفتگانه شرکت داشتند.
- + دوره پایتون چندمین دوره اش هستش و در اون چند مهارت آموز داشتید؟
- دوره برنامه نویسی پایتون دومین دوره اش محسوب میشه و نزدیک به ۴۰ مهارت آموز در این دوره شرکت داشتند.
- + از اولین تجربه هاتون از دوره ها بگید؟
- من تا قبل از اینکه دوره ها برگزار بشه کلاً جلوی ده نفر هم صحبت نکرده بودم ، بعد من اولین روز رفتم داخل سایت کامپیوتر دیدم که سایت پُر پُر ، اولین روز هم خوب و هم بد بود و خیلی استرس داشتم برای اولین جلسه اما دیگه کم کم عادی شد.
- + آیا از همان اول به آموزش علاقه داشتی؟
- چه جوری به فکر آموزش افتادی یا چه چیز بیای؟
- در خصوص این سواتون که به آموزش علاقه داشتم باید بگم که اولین تجربه من به آموزش به ۱۲ سال پیش برمیگرده که کاراته کار می کردم و از همان اوایل به عنوان ارشد کلاس
- + نتایج اومده بود خیلی خوشحال بودم از این انتخاب ام ، اما به قولاً میگن ظاهر باطن همه چیز مثل هم نیست
- + اگر دوباره به زمان انتخاب رشته برمی گشتید باز هم همین رشته و همین دانشگاه را انتخاب می کردید؟
- سعی می کردم واسه کنکور بیشتر بخونم تا دانشگاه بهتری قبول بشم ، اما به نظرم چون مرکز استان هستش دانشگاه هرمزگان از دانشگاه بقیه شهرستان ها بهتره
- + شما در دوره دانشجویی فعال هستید آیا در دوران دانش آموزی هم چنین بودید؟
- در دوره دانش آموزی تنها فعالیتیم فقط کاراته بوده و مانند فعالیتی که در دانشگاه دارم نبوده
- + شما به کلاس های فنی و حرفه ای کامپیوتر رفتید . از اون بگید و چه عوامل و دلایلی باعث شد تا به این سمت برید یا در کلاس های دیگه هم حضور داشتید؟
- واقعیتش من اولین بار که واژه آی سی دی ال رو شنیدم نه میدونستم چیه و نه از کجا اومده مادرم پیشنهاد داد و گفت شرکت کن و در آینده به کارت میاد
- + در کلاس های فنی و حرفه ای فقط دوره های آی سی دی ال رفتید؟
- دوره های آی سی دی ال و پایتون رو رفتم + چه دوره هایی رو در دانشگاه برگزار کردید؟
- دوره مهارت های هفتگانه آی سی دی ال و دوره برنامه نویسی پایتون

انتخاب شدم

+به ارشد کاراته چی میگن؟

-به ارشد سن پای میگن ، و از ۱۴ سالگی کار آموزش رو شروع کردم و به بچه ها آموزش می دادم

+پس آیا این کار زمینه ای برای علاقه شما به آموزش شد یا صرفاً فقط اولین تجربه تون بود؟
-نه صرفاً فقط اولین تجربه بود.

+خب ، درمورد چگونگی برگزاری دوره ها در دانشگاه بگید؟

-من زمانی که به دانشگاه اومدم هم داخل خوابگاه می دیدم و می شنیدم که ، که بچه ها

صرفاً به عنوان دانشجو کار با سیستم رو در حد خاموش و روشن کردن بلد هستند و بعد

من با خودم گفتم حالا من یک علمی دارم و چه بهتره این علم رو با بقیه به اشتراک بزارم

دیگه اینجور شد که با بچه های بسیج دانشجویی دانشگاه هرمزگان آشنا شدیم و

تصمیم به برگزاری دوره ها گرفتیم.

+فکر می کنید چه کمبود هایی در حین برگزاری کلاس ها هستش که باید برطرف بشه ؟

-نکته ای که هست سالن کامپیوتر سالن بزرگی هست و چون من از اول سایت

می شینم اون کسایی که آخر سایت میشینن ممکنه من هرچه قدر داد بزنم صدای من به

اونا نرسه

+پس باید یک میکروفون باشه؟
-آره یک میکروفون و بلندگو باشه صدا بهتر

داخل سایت پخش میشه ، و یک نکته دیگه ای که هست سیستم ها یه خورده قدیمی

هست اگه ارتقا داده بشه خیلی خوب میشه

+ همکاری دانشگاه با شما چه جوری بوده؟
- اوایل معاونت فرهنگی برای تبلیغات و پوستر

خیلی خوب همکاری می کرد و دیگه این اواخر این مسئولیت به دوش بچه های بسیج دانشجویی افتاد و همکاری سایت کامپیوتر هم

با کتابخانه هستش

+ فعالیت شما در دانشگاه معطوف به دوره

های کامپیوتر نیست درسته ؟ به غیر از اون چه کار دیگه ای در محیط دانشگاه می کنید؟

-از ترم های قبل دبیر کانون کاراته دانشگاه بودم و در حال حاضر معاونت پژوهش و

فناوری بسیج هم هستم.

+شما دانشجو هستید و در محیط دانشگاه حضور دارید رفتار شاگرد های فصول

گذشته ها با تو در محیط دانشگاهی چجوریه؟
یا خاطره جالبی از خودت و مهارت آموز ها

داشتی؟
- بعضی ها هستند که واقعا احترام می گذارند

و هر کجا که ما رو می بینند میان نزدیک و عرض ادب می کنند اما بعضی ها هم که انگار

نمی شناسند
+ اگر بخواهی از یک نفر تشکر کنی از کی تشکر میکنی؟

- اول از مادرم که هم مشوق و هم دعا هایی که می کنند بدرقه راه ما هستش و بعد از پدرم

که من رو حمایت میکنه و دوم در دانشگاه دوستان خوبی پیدا کردم که مثل خودم صرفا

یک دانشجو نیستند که مصداق بارز جمله کمال همنشین در من اثر کرد میشه و بعد ، و

به ویژه در بسیج دانشجویی که این زمینه رو فراهم کردند تا ما بتونیم علم خودمون رو با

بقیه به اشتراک بذاریم

+ اگه بخوای به شاگردت یک توصیه کنی اون چیه ؟
- من به خودشون هم سرکلاس میگم که ۴

سال در دانشگاه هستید و عمرتون رو می گذرونید و صرفاً وقتتون رو نزارید که یک

درسی بخونین و نمره ای بگیرن و پاس بشین و تموم بشه بره باید در کنار درس خوندن به

فعالیت های دیگه هم بپردازید و صرفاً چیزی یاد بگیرن و از دانشگاه دست پر خارج بشین

+ ورزشکار هم هستید ، درسته؟ اگر آره چه

ورزشی می کنید؟

- بله هستم ، کاراته کیوکوشین کار میکنم.

+ حالا که حرف ورزش شد استقلالی هستید و یا پرسپولیسی؟

- زیاد اهل فوتبال دیدن نیستم و فقط ۴ سال یکبار بازی ایران رو داخل جام جهانی میبینم

+ کتاب هم دارید؟

- کتابی است که نزدیک به ۵۰ صفحه داره ،

با عنوان مفاهیم کاراته کیوکوشین که در شهر خودمون بین بچه ها تقسیم کردم

+ برای اوقات فراغت چه چیزی را پیشنهاد می کنید؟

- از آنجا که بچه ها در دانشگاه هستن باید اوقات فراغت جنبه سرگرمی داشته باشه و هم

باعث پیشرفتش بشه

+ به نظرتون رمز موفقیت چیه؟

استمرار و تلاش و یه جمله ای هست که میگه هوشمندی به تلاش کورکورانه نیست گاهی

هوشمندی به تشخیص لحظه مناسب قطع

کردن تلاش و تغییر مسیر است

+ برنامه دیگه ای هم دارید که قرار است اجرا شود؟

- یک برنامه ای هست که قراره انشالله برگزار بشه با عنوان دوره می یک درصدی ها

+ سوالات من تموم شد چیزی هست که

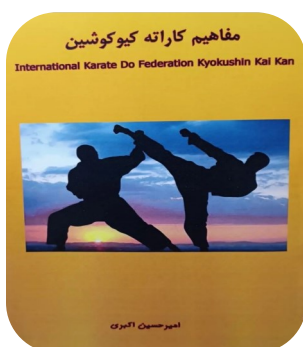
بخواین بهش اشاره کنین که در صحبت های من نبوده و بخواین به صحبتاتون اضافه کنید؟

- به نظرم بعضی از ما ها به دنیا نیومدیم که یک انسان معمولی باشیم و اینکه تا سختی و

تلاش نباشه موفقیت حاصل نمیشه.

+ از وقتی که در اختیار من گذاشتید بسیار متشکرم

- خواهش میکنم



@amirh_akbari7





اکران فیلم

در روز سه شنبه مصادف با ۸ آبان ماه با همکاری انجمن های جامعه شناسی، روانشناسی، زبان انگلیسی و کانون عکس و فیلم، انیمیشن **(درون و بیرون ۲)** اکران شد، این انیمیشن روایت گر دختری ۱۲ ساله است که در ذهن او پنج احساس (هیجان) به صورت شخصیت های انسانی شده، افکار و اعمال او را اداره می کنند همه چیز خوب است تا زمانی که او به بلوغ می رسد و چهار احساس جدید از جمله اضطراب، وارد ذهن او می شوند. تحلیل از منظر جامعه شناختی در جامعه شناسی مفهومی وجود دارد به اسم نقش که می توان گفت

نقش گروه همسالان در این انیمیشن، در این فیلم رایلی دچار دوگانگی شده بود، ادامه دادن با دوستان قدیمی خود و یا دوستی با دوستانی جدید. جوانان و نوجوانان برای اینکه هویت تازه ای برای خود خلق کنند و خود را از سلطه والدین جدا سازند، سعی می کنند گروه های همسالانه ای ایجاد کنند، این انیمیشن به خوبی گروه همسالان را نشان داد، این گروه ها از پوشش گرفته تا ارزش ها و سلیقه ها و..... متفاوت و به مثابه خرده فرهنگ هستند. یکی از نکات جالب این انیمیشن قدرت بالای این گروه بود به شکلی که رایلی سعی می کرد با این گروه همنا باشد به طوری که مانند آنها حرف بزند و رفتار کند تا از این گروه طرد نشود.

نقد جامعه شناختی نسبت به انیمیشن درون و بیرون ۲ یکی از انتقادهایی که از منظر جامعه شناختی می توان به این انیمیشن وارد کرد این است که: اختیار ساخت آزادانه واقعیت را از انسان سلب می کند به گونه ای که انسان برده این احساسات است

، این رویه در مقابل نظریه کنش و عاملیت قرار دارد

با این فیلم همانندی هایی داشت، در این فیلم ۹ احساس وظیفه اداره و کنترل بدن را در اختیار داشتند و هر کدام دارای نقش ها و وظیفه های متفاوت و منحصر به فردی نسبت به یکدیگر بودند اگر ما رایلی را جامعه در نظر بگیریم و احساسات را ساختار جامعه (ساختار بدن رایلی)، زمانی رایلی در آرامش بود که این احساسات می توانستند نقش های خود را به درستی ایفا کنند، حالا کافی است همین برداشت را برای جامعه به کار ببریم می توانیم بگوییم جامعه زمانی حالش خوب است و در مسیر درستی است که این ساختار ها اعم از خانواده، دین، آموزش و پرورش و نقش های خود را به درستی ایفا کنند و برعکس زمانی که نتوانند به درستی ایفای نقش کنند جامعه دچار هرج و مرج و بروز آسیب های اجتماعی و بی هنجاری و کاهش انسجام و همبستگی اجتماعی می شود، پس می توان گفت وجود این نهاد ها و ایفای نقش درست آن برای جامعه ضروری است. نکته: این یک رویکرد ساختاری کارکردی به شمار می آید.

پی نوشت: رویکرد کارکردگرایی ساختاری به دنبال کارکرد های ساختار جامعه است به طوری که نظم و یکپارچگی در جامعه حکم فرما باشد.





سمینار جمعیت پذیری در سواحل مکران

و دانشگاه‌های سرزمین اصلی باشد. وی افزود: توسعه سواحل جنوبی با افزایش میزان سکونت و استقرار صنایع مختلف علاوه بر رونق اقتصادی ارتقای امنیت ملی را به دنبال داشته اما این پیوند سیستم حاکمیتی و جوامع محلی کارآمدی ایجاد میکند و هم پیوندی قومیت‌ها در استانهای ساحلی در رونق اقتصاد کلان دریا محور تاثیر به سزایی خواهد داشت که تقویت سرمایه گذاری بخش خصوصی در سواحل مکران میتواند اهداف توسعه اقتصاد دریا محور را با همکاری جامعه محلی محقق کند.

سمینار جمعیت پذیری در سواحل مکران در دانشگاه هرمزگان با محور بسترسازی الزامات و بازدارنده‌ها با همکاری اندیشکده حکمرانی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در دانشگاه هرمزگان با حضور اعضای هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی و گروه جغرافیا و رئیس اندیشکده حکمرانی برگزار شد. مهندس میرمحمد حمزه دبیر انجمن علمی گروه جغرافیا گفت جمعیت پذیری بیش از دو میلیون نفری در سواحل جنوبی کشور و با توجه به اعلام حاکمیت کشورهای عربی، جهت ایجاد دو شهر جدید و بسترسازی در شهرهای فعلی برای متمرکز کردن دو میلیون نفر لذا اهداف اقتصاد کلان دریا پایه و ایجاد شهرهای جدید باید با تعامل بیشتر جوامع بومی و محلی



